



باز هم اندر باب وحدت و اتحاد نیرو های ترقیخواه

در مورد وحدت و اتحاد نیرو های ترقیخواه، ملی و دموکرات حرف های زیادی زده شده و نظریات گوناگون ابراز گردیده است. در عرصه عمل نیز نشست ها و کمیسیون های متعدد ایجاد و بلاخره ادغام تشکیلاتی نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و حزب متحد ملی افغانستان روزنه های امید را برای وحدت خواهان کشور و گام هایی گذاشته شد. اما متأسفانه دست های مرموز و چهره های مجهول با استفاده از خصوصیت ارباب رعیتی و روحیه اطاعت پذیری محض صفوف و کادر ها که سالهای طولانی استبداد تشکیلاتی و نبود دموکراسی حزبی چنین روحیه و فرهنگ را نهادینه ساخته است، توانسته اند این پروسه را به بهانه های واهی و دلایل غیر موجهه به تویق اندازند و حتی به قهقرا سوق دهند. در حالیکه نیرو های عقب گرا، ارتجاعی و ضد ملی با گذشت هر روز بیشتر از پیش متشکل می شوند و با بسیج نیرو های خود، نیرو های ترقی خواه را به حاشیه می رانند. جرگه مشورتی صلح، آشتی با طالبان، خارج ساختن رهبران طالبان از لیست سیاه ملل متحد، چنین گرایش های را به نمایش می گذارد.

نیرو های بین المللی که با بیشتر از صد هزار عسکر بمنظور سرکوب تروریستان در کشور مستقر هستند به جای مبارزه قاطع با تروریستان و قلع و قمع سرکرده گان آنان، آشتی و مذاکره با طالبان و مشی تسلیم طلبانه بی دولت افغانستان را در برابر طالبان حمایت می کنند. همین اکنون طالبان نه تنها با تهدید و تخویف و اعمال انتحاری و انفجاری در ساحه وسیع کشور تسلط دارند، بلکه در ساحاتی که امنیت عام و تام نیز تامین است روحیه طالبی در حال گسترش است. اگر سیر حوادث بدین منوال ادامه یابد بیم آن می رود که طالبان با افکار قرون وسطایی و ارتجاعی در اتحاد نا مقدس با نیرو های جهادی دیروز که متأسفانه به هیچ پرنسیبی پا بند و وفادار نیستند گلیم قانون اساسی نیم بند کنونی و دموکراسی وارداتی را جمع نمایند و با استبداد خشن شرقی حکومت ترور و اختناق را در جامعه مسلط سازند. با تحقق چنین امکانی که همین حالا جوانه های آن قابل روءیت است، نیرو های ترقی خواه، ملی و دموکرات یکبار دیگر چنان از صحنه سیاسی کشور حذف خواهند شد که سالهای درازی نخواهند توانست صدای عدالت خواهی و ترقی را بلند نمایند. در چنین صورتی مردم مظلوم ما کفاره بی اتفاقی امروزی این نیرو ها را نیز همچون گذشته خواهند پرداخت و یکبار دیگر سیاهی و تاریکی بر نور و روشنی مسلط خواهد شد.

موضوع را عمیق تر و جدی تر به بررسی بگیریم :

تضاد عمده در جامعه امروزی ما میان نیرو های ارتجاعی، عقب گرا و قرون وسطایی که به نام جنگ سالار، قومندان سالار، سرمایه سالار و مافیای مواد مخدر چهره نمایانده است از یک طرف و توده های ملیونی زحمت کشان شهر و ده اعم از کارگران، دهقانان، کسبه کاران، تاجران متوسط، روشنفکران و لشکر عظیم بیکاران از جانب دیگر قابل تشخیص است. نیرو های ارتجاعی حاکم با جذب طالبان که خود ارتجاعی ترین و سیاه ترین بخش نیرو های ضد ترقی را تشکیل می دهند، می خوهند صفوف خود را فشرده تر سازند و با قلع و قمع نیرو های ترقی خواه، جامعه را به سوی سکون و ثبات مرگباری سوق دهند که هیچگونه صدایی به جز صدای ارتجاع به گوش ها نرسد و هیچگونه عکس العملی در برابر تاخت و تاز این نیرو ها مشاهده نشود.

بروکرات های غرق در فساد در حاکمیت امروزی همه تلاش خود را بخرج می دهند تا شرکا غربی خود را متقاعد سازند که طالبان می توانند به حوب و بد، به افراطی و میانه رو، به مستقل و وابسته تقسیم شوند. در حالیکه چنین تقسیم بندی ها جز در ذهن بیمار این عناصر در میان طالبان قابل روءیت نیست. شرکا ی غربی هم که می نینند در نبرد رو در رو با طالبان چندان موفقیتی به دست نیاورده اند و دولت های شان تحت فشار افکار عامه مردمان خود قرار دارند ترجیع می دهند هر چه عاجل تر با معامله و مصالحه دستاوردی داشته باشند و به قناعت افکار عامه بپردازند. تامین دموکراسی، حقوق بشر، بازسازی، صلح و امنیت که با یورش نیرو های مسلح ناتو شعار داده می شد روز تا روز رنگ می بازد و امروز از خروج آبرومندانه نیرو ها و سپردن صلاحیت دفاع به خود افغان ها و جلب طالبان در حاکمیت بحث و گفتگوست نه آزادی های دموکراتیک و حقوق بشر و غیره.

در چنین اوضاع و احوال سنگ اندازی در برابر وحدت و اتحاد نیرو های ملی، ترقی خواه و دموکرات، بهانه تراشی ها، سهل انگاری ها و کار شکنی ها چنان مسولیتی را متوجه عناصر ضد وحدت می سازد که نه تنها در آینده قابل جبران نیست بلکه لعن و نفرین نسل های امروز و فردا نیز نثار آنان خواهد شد. نکته قابل تذکر دگر این که نه تنها عناصر وحدت شکن مسولیت بزرگ تاریخی را بعده دارند بلکه نیرو های وحدت طلب نیز با سازش، تسلیم، بی تفاوتی و عدم مقابله با حرکت سنگ پشت وار این پروسه که از جانب یک عده عناصر معلوم الحال تعمیل گردیده است نیز مسول خواهند بود. اگر پروسه ادغام تشکیلاتی و تدویر کنگره حزب واحد که در اسناد رسمی شش ماه پیش بینی شده بود با چنین بطاءت غیر موجهه و بهانه های واهی پیش برده شود می توان حدس زد که وحدت بقیه نیرو های مترقی و دموکرات و ایجاد جبهه وسیع ضد ارتجاع سال های طولانی فرصت لازم خواهد داشت و نسل ما به تحقق آن موفق نخواهد شد؟! در حلیکه تا همین لحظه نیز فرصت های زیادی به هدر داده شده، به خواست و ضرورت جامعه مبنی به وحدت و اتحاد نیرو های ملی ارزش لازم داده نشده ضرورت وحدت تا هنوز نیز از جانب عده زیادی به درستی درک نشده است.

باید خاطر نشان ساخت که فرصت سوزی ها، بهانه تراشی ها و اکت های فیلسوفانه در مورد گویا گام های مستحکم در تحکیم وحدت که از جانب عده پی ابراز می گردد جز آب به آسیاب دشمن ریختن و ارتجاع قرون وسطایی را فرصت جولان دادن نتیجه دیگری ندارد. بایست به بن بست موجود خاتمه بخشید وحدت دو سازمان برادر و همسو را که خوشبختانه به همت صفوف و کادر های دلسوز به مرحله ادغام تشکیلاتی رسیده است با تدویر کنفرانس اروپایی و تدبیر کنگره در کمترین فرصت ممکن تحقق بخشید و زمینه وحدت دیگر سازمان ها، حلقات و محافل و شخصیت های مستقل را هر چه زود تر فراهم ساخت. درین صورت می توان امیدوار بود که جبهه وسیع ضد جنگ و ضد ارتجاع متشکل از نیرو های صلح خواه، عدالت پسند و ترقیخواه ایجاد و در برابر نیرو های اهریمنی استاده گی و مقاومت نموده جامعه را از تسلط نیرو های قرون وسطایی که هر روز سایه شوم خود را بیشتر می گسترانند نجات بخشید و جامعه عادلانه فارغ از جنگ، فقر، مرض و جهل را که هر باشنده آن شهروند مساوی الحقوق حساب شود پیریزی نمود.

به امید تحقق این آرزوی شریفانه به پیش